Archive of SID

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر



تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۰٤/۲۹
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۰۹/۲۵

صبورا شهابی باهر[۱]، سید مصطفی مختاباد[۲]، محمد جعفر یوسفیان کناری[۳]

# مطالعه‌ی جایگاه مکان در نمایشنامه‌ی ملودی شهر بارانی اثر اکبر رادی با رویکردی نشانه‌شناختی[۴]

## چکیده

پژوهش حاضر با روشی تحلیلی-توصیفی و با بهره‌گیری از نشانه‌شناسی مکان، به تحلیل مکان و ارتباط آن با سایر عناصر نمایشی در نمایشنامه‌ی ملودی شهر بارانی نوشته‌ی اکبر رادی می‌پردازد. هدف اصلی این پژوهش یافتن مهم‌ترین مؤلفه‌های مکانی در نمایشنامه‌ی منتخب و طبقه‌بندی و مطالعه‌ی آن‌هاست، بررسی چگونگی تأثیر مکان در پیشبرد عناصر درام از دیگر اهداف این پژوهش است. همچنین پژوهش حاضر بر آن است با بررسی و تحلیل مکان با رویکردی نشانه‌شناختی، روابط ضمنی و صریح مکان با عناصر گوناگون نمایشی مانند شخصیت‌پردازی، کنش و پیرنگ را مشخص سازد. برای تحلیل نشانه‌شناختی مکان در این نمایشنامه از مکان‌پردازی کلامی (دستور صحنه، شاخص‌های کلامی، دیالوگ) و مکان‌پردازی غیر کلامی (روابط صحنه و خارج از صحنه، روابط میان چند مکان واحد، روابط میان چند مکان متفاوت) استفاده شده است. این بررسی بر اساس آرای نشانه‌شناسانی که در این زمینه مطالعه کرده‌اند، انجام شده است. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده می‌توان گفت مکان در نمایشنامه‌ی ملودی شهر بارانی، نقش مهمی در ساختار دراماتیک اثر دارد و به پیشبرد عناصر نمایشی کمک کرده است.

**کلیدواژه‌ها:** نشانه‌شناسی مکان، درام، ملودی شهر بارانی، رادی

[۱] کارشناس ارشد ادبیات نمایشی، دانشکده‌ی هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده‌ی مسئول)
E-mail: s.shahabi20@yahoo.com

[۲] استاد گروه ادبیات نمایشی، دانشکده‌ی هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
E-mail: mokhtabm@modares.ac.ir

[۳] دانشیار گروه ادبیات نمایشی، دانشکده‌ی هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
E-mail: yousefian@modares.ac.ir

[۴] این مقاله مستخرج از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد صبورا شهابی باهر با عنوان «جایگاه مکان و اقلیم در آثار اکبر رادی با رویکرد نشانه‌شناختی» به راهنمایی سید مصطفی مختاباد است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی
journal.art.ac.ir



www.SID.ir

Archive of SID

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر



## ۱- مقدمه

مکان و فضا در درام و تئاتر از اهمیت بسیاری برخوردار است. به‌گونه‌ای که می‌توان گفت متون دراماتیک و تئاتر در حقیقت به روابط مکانی و مکان وابسته‌اند.

> تئاتر نمایشی زنده است و الزاماً در فضا جای می‌گیرد. مکان در متن نمایشی وجود دارد و مقوله‌ی نمایش اساس آن را تشکیل می‌دهد حتی اگر متن نمایش ابتدا به‌شکل نوشتاری حضور یابد، هیچ‌گاه به‌طور کامل به تئاتر تبدیل نمی‌شود مگر هنگامی که در فضایی معین اجرا شود. (پرونه، ۱۳۹۱، ۷۸)

و آستن می‌گوید:

> درام، در مقایسه با شعر و داستان، به ابعاد زمان و مکان نیز نیاز دارد و بنابراین روشی که این دو بُعد درام را شکل می‌دهد و پیش می‌برد در بررسی بافت تئاتری اهمیت بسزایی دارد. در نتیجه، نشانه‌شناسان تئاتر با درک چگونگی سازماندهی مکان و روش‌های استفاده از رمزگان‌های مکانی برای تولید معنا سروکار دارند، همچنین از مطالعات انسان‌شناسان درباره‌ی نشانه‌شناسی مکان، یعنی چگونگی کاربرد فضا توسط انسان، استفاده‌های فراوانی شده است. چنین مطالعاتی چگونگی سازماندهی فضا و اثرگذاری آن را بر تولید معنا در اجرا بررسی کرده‌اند. (آستن، ۱۳۸۸، ۱٤٦)

با کشف این رمزگان‌ها و دلالت‌ها در متون تئاتری و با توجه به شاخص‌های نشانه‌شناسی مکان، می‌توان رابطه‌ی میان عناصر گوناگون نمایش و نیز رابطه‌ی آن‌ها با پیشبرد پیرنگ را، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر نمایشی، شناسایی کرد. همچنین بررسی متون دراماتیک بر اساس نشانه‌شناسی مکان، روابط فرهنگی و اجتماعی جاری میان شخصیت‌ها در فضای درام را بازنمایی می‌کند. نشانه‌شناسی مکان با بررسی این روابط بر اساس رمزگان‌های مورد استفاده در تئاتر و درام، به شناخت بهتر و عمیق‌تر ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی شخصیت‌ها و رابطه‌ی آن‌ها با عناصر نمایشی و پیشرفت درام نائل می‌شود.

رادی در آثار خود توجه ویژه‌ای به مکان داشته است، اما با این وجود مطالعات بسیار اندکی درباره‌ی مکان در آثار او و به‌ویژه نمایشنامه‌هایش صورت گرفته است. این پژوهش بر آن است با بررسی و تحلیل نشانه‌شناختی مکان در ملودی شهر بارانی، روابط صریح و ضمنی مکان با عناصر نمایشی، به‌ویژه شخصیت‌ها، کنش‌ها و پیرنگ، را مشخص سازد. تأثیر مکان و روابط مکانی بر ساختار و فضای درام و نیز این‌که مکان، به‌عنوان یک عنصر نمایشی، می‌تواند زمینه و بافتی برای تجلی ویژگی‌های دیگر عناصر درام، ارتباط‌دهنده‌ی آن‌ها به یکدیگر و پیش‌برنده‌ی داستان و پیرنگ نمایشنامه در ملودی شهر بارانی باشد، از مهم‌ترین دلایل انتخاب این موضوع بوده‌اند.

## ۲- پیشینه‌ی پژوهش

نشانه‌شناسی مکان یکی از شاخه‌های نشانه‌شناسی است که با پیشرفت این علم به عنوان یکی از حوزه‌های مهم مطرح شد. در تحلیل مکان‌شناختی نشانه‌ها، مکان عنصری مرکزی قلمداد و روابط آن با دیگر عناصر موجود در متن و یا رسانه، بررسی و تحلیل می‌شود. مکان بافتی برای انجام کنش دراماتیک و بنابراین یکی از عناصر اصلی درام است، در نتیجه، نشانه‌شناسی مکان در درام اهمیت فراوانی دارد.

پایگاه اینترنتی دانلود مقالات دانشگاه هنر
journal.art.ac.ir



www.SID.ir

Archive of SID

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر





> نشانه‌شناسان بر این باورند که همه‌جا فضاست و هیچ‌گاه نمی‌توان فضا را ترک کرد، بلکه تنها می‌توان در آن جابه‌جا شد. حتی نشانه‌ها نیز ناگزیرند در مکان و زمان حرکت خود را آغاز کنند و از شکل‌های ساده به شکل‌های پیچیده برسند. انسان تنها زمانی چیزها را درک می‌کند که آن‌ها را در فضا و مکان قرار دهد. (عباسی، ۱۳۹۱، ۷)

شعیری نیز معتقد است:

> همه‌جا مکان است، ما هیچ‌گاه از مکان خارج نمی‌شویم بلکه مکانی را ترک می‌کنیم و به مکانی جدید راه می‌یابیم، هیچ کنش و شوِشی خارج از مکان صورت نمی‌گیرد، مکان چه انتزاعی باشد چه عینی مکان است و تولید معنا می‌کند. (۱۳۹۱، ۹۷)

در اینجا لازم است به تفاوت فضا و مکان اشاره شود؛ «هرگاه فضا برش زده شود و این برش به شکل‌گیری محدوده‌هایی با مرزهای مشخص و یا حتی نامشخص بیانجامد، ما با تکثیر فضا و تبدیل آن به مکان‌های متمایز روبه‌رو می‌شویم» (شعیری، ۱۳۹۲، ۲۳۶). به عبارت دیگر، هرگاه فضا را برش بزنیم و قسمتی از آن را تحت کنترل خود در بیاوریم، مکان شکل می‌گیرد، مانند برش در فضای شهری و تبدیل آن به خیابان، بزرگراه، خانه و غیره. به این ترتیب، مکان با برش در فضا عینیت می‌یابد و جنبه‌ی فیزیکی، مادی و ملموس پیدا می‌کند و همین جنبه‌ی فیزیکی و مادی است که زمینه‌ساز تسلط ما بر فضا می‌شود. در حقیقت فضا انتزاعی، سوبژکتیو و ذهنی است و مکان ارجاعی و ابژکتیو. سجودی بر این باور است که

> یک رابطه‌ی نشانگی دو سویه بین انسان و مکان وجود دارد، گاهی این انسان است که با مکان هویت می‌یابد و گاهی این مکان است که با انسان تشخص پیدا می‌کند، انسان به مکان معنا می‌دهد و با مکان معنی می‌یابد و مکان وارد شبکه‌ای تمایزی می‌شود که منشأ معنای نشانه‌های مکانی است. (۱۳۹۰، ۸٤)

می‌توان گفت «نشانه‌شناسی مکان روندی توصیفی است که به جستجوی ارتباط سوژه و روابط فضایی می‌پردازد و در مطالعه‌ی فضا به‌عنوان پدیده‌ای نشانه‌شناختی، مفهوم فضا به‌عنوان نشانه‌ای در ارتباط با پدیده‌های دیگر، بررسی می‌شود» (Gaines, 2006, 174). با توجه به این‌که مکان و فضا از عناصر اصلی درام‌اند، می‌توان از ارتباط مکان با دیگر اجزای درام برای تحلیل نشانه‌شناختی آن استفاده کرد.

متن تئاتری پیش از هر چیز بر اساس مناسبات مکانی تعریف می‌شود و بنابراین مکان یکی از عناصر اصلی درام و تئاتر است. مکان در نمایشنامه به دو شکل صریح و ضمنی به مخاطب معرفی می‌شود؛ در شکل صریح با دیالوگ و دستور صحنه‌ی صریح و در شکل ضمنی با نشانه‌هایی مانند نوع پوشش، لهجه، حرکت شخصیت‌ها و نوع کنش آن‌ها. در نشانه‌شناسی مکان حتی نام شخصیت‌ها می‌توانند بر مکان دلالت داشته باشند، مانند نام‌هایی که به اقلیم و بافت و مکان خاصی تعلق دارند. اسلین[1] معتقد است «زمان و مکان دراماتیک دو محور بنیادین‌اند که به‌واسطه‌ی آن‌ها نظام چندلایه‌ی نشانه‌های درام برای تماشاگر ارائه می‌شود» (۱۳۸۷، ۲۲). بنابراین می‌توان بر اساس روابط مکانی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر، به نظام‌های نشانه‌ای گوناگون در ساختار درام پی برد.

## ۳- شاخص‌های تحلیل نشانه‌شناسی مکان در درام

همانطور که گفته شد، متن تئاتری پیش از هر چیز با مناسبات مکانی تعریف می‌شود و بنابراین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی
journal.art.ac.ir



www.SID.ir

Archive of SID





برای تحلیل نشانه‌شناختی مکان در درام و تئاتر استفاده از شاخص‌هایی که ارتباط مکان و دیگر اجزای نمایش را مشخص می‌کنند، ضروری به نظر می‌رسد. در پژوهش حاضر تلاش خواهد شد این شاخص‌ها با استفاده از نظریه‌های نظریه‌پردازان درام و تئاتر، نشانه‌شناسان و نشانه‌شناسان تئاتر و درام مطالعه و بررسی شوند.

«مفاهیم زمان و فضا، همراه با شخصیت‌پردازی و رفتار کلامی و یا غیر کلامی شخصیت‌ها، معرف مقولات ملموس اصلی در درون متن دراماتیک‌اند. همین مفاهیم‌اند که متون دراماتیک را از متون روایی متمایز می‌کنند» (فیستر، ۱۳۸۷، ۳۳-۳۲). برای نشانه‌شناسی مکان لازم است ابتدا نقش مکان در درام شناسایی شود. مکان در درام می‌تواند نقش‌های متعددی ایفا کند، که از آن جمله می‌توان به مکان بحرانی (بحران‌زا)، مکان روایی (کنشی)، مکان انتزاعی (ارجاعی)، مکان رخدادی (پدیداری)، مکان جمعی، مکان فردی، مکان نزدیک، مکان دور، رابطه‌ی مکان و هویت، رابطه‌ی مکان و فرهنگ، مکان استعلایی، مکان تراکنشی، مکان اگزیستانسیالیستی، مکان به‌مثابه آغاز حرکت، مکان به‌مثابه پایان حرکت، مکان ارزشی، مکان شوشی (عاطفی) و رابطه‌ی مکان با کنش‌گران و... اشاره کرد. نمودار ۱ نقش مکان در درام را نشان می‌دهد.

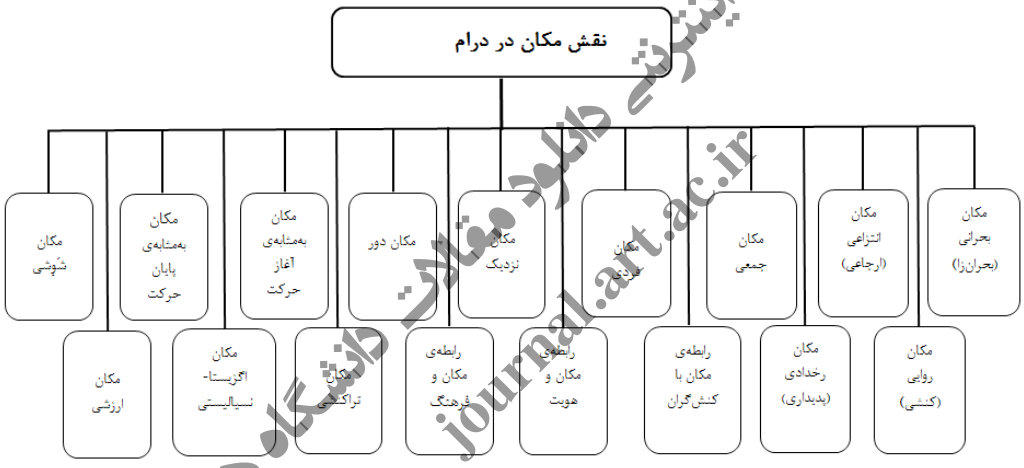


**نمودار ۱. نقش مکان در درام**

**منبع**: مصاحبه‌ی حضوری با شعیری

در نشانه‌شناسی مکان رابطه‌ی سوژه با مکان بسیار حائز اهمیت است، زیرا روابط سوژه با مکان کارکرد آن را مشخص می‌سازند و بدون حضور سوژه و تعامل او با مکان، مکان هویت پیدا نمی‌کند. همان‌گونه که شعیری می‌گوید:

> هیچ مکانی نیست که به‌نحوی به هویت سوژه مرتبط نباشد و هر مکان هویتی مکانی است معنادار، عاطفی، شناختی، انسان‌شناختی، کاربردی، اضطراب‌انگیز، آرامش‌بخش، زیبایی‌شناختی، هستی‌شناختی، حسی-ادراکی و غیره. مکان معنادار است و معناداری مکان به سبب تعامل و آمیختگی انسان با مکان است. (۱۳۹۲، ۲۳۲)

تعامل انسان با مکان سبب می‌شود مکان و سوژه ارتباطی مستقیم با یکدیگر پیدا کنند و به یکدیگر هویت ببخشند.

پایگاه اینترنتی دانلود مقالات دانشگاه هنر
journal.art.ac.ir



www.SID.ir

Archive of SID

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر





## ۴- تکنیک‌های مکان‌پردازی در درام

تکنیک‌های مکان‌پردازی مجموعه‌ی بسته‌ای را تشکیل می‌دهند و آن‌چه که در طول قرون و اعصار تغییر کرده، معیارهای کیفی و کمی حاکم بر انتخاب مجموعه‌ی خاصی از تکنیک‌ها از این مجموعه‌ی کلی است. تکنیک‌های مکان‌پردازی را می‌توان در دو گروه طبقه‌بندی کرد: تکنیک‌های مکان‌پردازی کلامی و تکنیک‌های مکان‌پردازی غیر کلامی.

تکنیک‌های مکان‌پردازی کلامی و غیر کلامی خود شامل زیرشاخه‌های گوناگونی هستند که از آن‌ها برای تحلیل نقش مکان و ارتباط آن با دیگر عناصر درام و نیز در نشانه‌شناسی مکان در درام استفاده می‌شود.

### ۴-۱- تکنیک‌های مکان‌پردازی کلامی

مکان‌پردازی کلامی یکی از شیوه‌های مهم مکان‌پردازی در تئاتر و درام است که از آن برای مشخص کردن نشانه‌های مکانی که امکان مکان‌پردازی صحنه‌ای برای آن‌ها وجود ندارد، استفاده می‌شود. در این شیوه نشانه‌های کلامی به شکل‌گیری تصوری از مکان کمک می‌کنند. تکنیک‌های مکان‌پردازی کلامی معمولاً به صحنه‌پردازی لفظی[۲] یا فضای کلامی[۳] معروف‌اند، یعنی شیوه‌ی به تصویر کشیدن یا اشاره کردن به زمینه‌ی فضایی در گفته‌های شخصیت‌ها. برای تحلیل مکان در درام و تئاتر، در چارچوب مکان‌پردازی کلامی، از دو عنصر دیالوگ و دستور صحنه استفاده می‌کنند. برای تحلیل مکان در دیالوگ از شاخص‌های کلامی و استعاره‌های جهتی استفاده شده است که هر یک از آن‌ها می‌تواند دلالت بر عناصر گوناگونی در متون دراماتیک داشته باشد و جنبه‌های متفاوتی از عناصر دراماتیک را بازنمایی کند.

#### ۴-۱-۱- دیالوگ (شاخص‌های کلامی و استعاره‌های جهتی)

در دنیای نمایش و فضای دراماتیک، تعامل و ارتباط شخصیت‌ها با یکدیگر و با فضای صحنه و اشیای داخل صحنه بر اساس روابط مکانی و اشاره‌ای شکل می‌گیرد و بنابراین روابط مکانی و اشاره‌ای در درام و متون دراماتیک از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. باید به اهمیت شاخص‌های کلامی به‌عنوان عناصر اشاره‌ای در درام نیز اشاره کرد.

«نقش زبان دراماتیک آفرینش بافتی پویا به شکل نمایه‌ای (اشاره‌ای) است. آن عناصر اشاره‌ای زبان که به من-اینجا-اکنون مرتبط می‌شوند، از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های خاص گفتمان دراماتیک‌اند، آنچنان‌که رابطه‌ی شاخص‌های کلامی و حرکتی در نشانه‌شناسی تئاتر از بیشترین اهمیت برخوردارند» (الام، ۱۳۸۹، ۹۵). دیالوگ در متون نمایشی نقش معرفی شخصیت و کنش را دارد. الام[۴] معتقد است «این عبارات اشاره‌ای هستند که به دیالوگ امکان خلق بحث و جدل میان مردم را در محدوده‌ی زمانی و مکانی گفتمان می‌دهند» (همان، ۱۸۶). همچنین عبارات اشاره‌ای «گوینده‌ها و مکان آن‌ها را معرفی می‌کنند» (آستن، ۱۳۸۸، ۷۷).

شاخص‌های مکانی در بافت و متن دراماتیک تعیین‌کننده‌ی گفتمان دراماتیک‌اند، همان‌گونه که الام می‌گوید، «شاخص‌های مکانی امکان ارجاع به بافت دراماتیک را در حکم دنیای واقعی و پویا که از قبل در جریان بوده است، به وجود می‌آورند» (الام، ۱۳۸۹، ۱۷٤). همچنین به‌واسطه‌ی اشارتگرهای زبانی (شاخص‌های کلامی) قدرت و تسلط کلامی شخصیت نشان داده می‌شود. می‌توان با تحلیل اشارتگرهای کلامی که هر شخصیت به کار می‌برد، به روابط گفتمانی او با دیگر

پایگاه اینترنتی نشریات دانشگاه هنر
Journal.art.ac.ir



www.SID.ir

Archive of SID





شخصیت‌های متن پی برد. موقعیت مکانی می‌تواند جنبه‌های گوناگون ویژگی شخصیت‌ها، مانند زورگو بودن، سلطه‌پذیری و سلطه‌گری، گیجی، سردرگمی و ...، را نشان دهد.

در مکان‌پردازی کلامی علاوه بر شاخص‌های کلامی، استعاره‌های جهتی نیز به‌عنوان ابزاری برای بیان نقش استعاری مکان در دیالوگ و نقش آن در تئاتر و درام به کار می‌رود. لیکاف[۵] و جانسون[۶] (۱۹۸۰، ۱۸-۱۴) از دیدگاه شناختی به مطالعه‌ی استعاره پرداخته‌اند.

> به باور آن‌ها استعاره ساختار ادراک و دریافت ما را تشکیل می‌دهد. استعاره‌های جهتی نظامی کامل از مفاهیم را با توجه به نظام کامل دیگری سازمان‌دهی می‌کنند. جهت‌های استعاری دلبخواهی نیستند و بر اساس تجربه‌ی جسمانی و فرهنگی ما شکل می‌گیرند. هر یک از این استعاره‌ها از یک نظام‌مندی درونی برخوردارند و نظامی منسجم را شکل می‌دهند. استعاره‌های جهتی را می‌توان به دو گروه مثبت و منفی تقسیم کرد؛ مثبت‌ها دربردارنده‌ی سازندگی، انرژی، امیدواری، حیات، پیشرفت و ترقی، بهبود زندگی و امکانات و شکوفایی؛ حال‌آن‌که موارد منفی دربردارنده‌ی تخریب، ضعف، ناامیدی، مرگ و نیستی‌اند. (کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۹، ۱۳۶)

استعاره‌های جهتی شامل مفاهیم بالا، پایین، چپ، راست، مرکزی، حاشیه‌ای، جلو، پشت و درون و بیرون‌اند. این استعاره‌ها علاوه بر نقشی که در دیالوگ و مکان‌پردازی کلامی و در شناسایی گفتمان شخصیت‌ها بر عهده دارند، در مکان‌پردازی غیر کلامی و روابط شخصیت‌ها نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند. با توجه به اسامی موجود در نمایشنامه، می‌توان به فضای جغرافیایی و تاریخی نمایشنامه پی برد.

### ۴-۱-۲- دستور صحنه

شرح صحنه‌ها در درام از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. توضیحاتی که در دستور صحنه ارائه می‌شوند، می‌توانند پیش‌زمینه‌ای برای ورود به دنیای درام و فضای نمایشی و نیز بافت و بستری برای کنش‌های دراماتیک و پیشبرد پیرنگ باشند. می‌توان گفت «دستورهای صحنه در متن و اجرا پیش از آن‌که حتی کلمه‌ای بر زبان رانده شود، تا حدود زیادی دلالت‌گر و تأکیدی بر اهمیت نشانه‌های غیر کلامی در تئاترند» (فورتیر، ۱۳۸۸: ۳۴-۳۳). به عبارت دیگر، «دستورهای صحنه به‌مثابه‌ی نظامی نشانه‌ای و در راستای دیالوگ عمل می‌کنند و به ما این امکان را می‌دهند که از متن به اطلاعاتی درباره‌ی زمان، مکان و روابط شخصیت‌ها دست یابیم» (آستن، ۱۳۸۸، ۱۰۱). مکان توصیف‌شده در دستور صحنه ممکن است مکانی واقعی و شناخته‌شده یا مکانی غیر واقعی و ناشناخته باشد. ویژگی‌هایی که در دستور صحنه دلالت بر مکان دارند، نقش مهمی در شکل‌گیری وضعیت مکانی در ذهن مخاطب دارند و سبب می‌شوند او ارتباط بهتری با اثر برقرار کند.

### ۴-۲- تکنیک مکان‌پردازی غیر کلامی

کنش‌ها و واکنش‌های غیر کلامی در درام اهمیت فراوانی دارند و می‌توان برای تحلیل مکان‌شناختی درام از این کنش‌ها و واکنش‌ها استفاده کرد. بر این اساس می‌توان مکان‌پردازی غیر کلامی را نوعی از مکان‌پردازی دانست که به‌واسطه‌ی کنش‌ها و فعالیت‌های شخصیت‌های حاضر در صحنه، فضا و مکان مورد نظر را خلق می‌کند.

بر اساس کنش‌ها و فعالیت‌های شخصیت‌های روی صحنه، در تئاتر معاصر رمزگانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی
www.journal.art.ac.ir



www.SID.ir

Archive of SID

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر



> فرعی مطرح شده است که تقسیم‌بندی صحنه را به مناطق مشخصی الزامی می‌کند و این تقسیم‌بندی به سبب اثری که گمان می‌شود بر فرایند رمزگشایی از سوی مخاطب دارد، مورد توجه بوده، اهمیت ویژه‌ای داشته است، آنچنان که کنت کامرون[۷] و تئودور هوفمن[۸] آن را واژگان جایابی صحنه نامیده‌اند. (الام، ۱۳۸۹، ۸٤)

بنابراین چگونگی قرار گرفتن شخصیت‌ها و حرکت آن‌ها بر روی صحنه، در درام و تئاتر، از اهمیت بالایی برخوردار است، این روابط فضایی می‌توانند بر جنبه‌های گوناگون روابط شخصیت‌های درام دلالت داشته باشند. مسیر حرکت شخصیت‌ها، نوع حرکت آن‌ها نسبت به یکدیگر و نیز نسبت به مکان حائز اهمیت است: نزدیکی و دوری به مکان‌ها و چگونگی قرار گرفتن شخصیت‌ها در کنار یکدیگر، برای مثال گرد آمدن آن‌ها در کنار یکدیگر، که می‌تواند دال بر تنش یا دوستی یا هم‌فکری و اتفاق‌نظر آن‌ها باشد، دوری و نزدیکی شخصیت‌ها از یکدیگر و حرکت آن‌ها به سوی یکدیگر و یا دور شدنشان از یکدیگر که می‌توانند دلالت بر جنبه‌های متفاوت شخصیت آن‌ها و نوع روابط آن‌ها با یکدیگر داشته باشند.

قرار گرفتن شخصیت‌ها در بالا و پایین صحنه، زاویه‌ی قرار گرفتن آن‌ها نسبت به یکدیگر، ایستادن، نشستن و برخاستن آن‌ها و همچنین قرار گرفتن‌شان در مرکز رویداد یا در حاشیه و حتی ارتباط آن‌ها با وسایل صحنه، بر معانی متفاوتی دلالت دارند. این دال‌ها همراه با نظام‌های متفاوت نشانه‌ای دخیل در درام می‌توانند جنبه‌های گوناگون ارتباط شخصیت‌ها با یکدیگر، ارتباط آن‌ها با مکان و یا نقش آن‌ها در پیرنگ داستان را بازنمایی کنند. مسیر حرکت نسبت به اشخاص و اشیاء را می‌توان با توجه به سایر عوامل دخیل در رمزگشایی دال‌ها و مدلول‌ها در نمایشنامه تفسیر و تأویل کرد.

### ۴-۲-۱- روابط فضایی درون یک مکان رخداد واحد

روابط فضایی در یک مکان رخداد یکی از ابزارهای مکان‌پردازی غیر کلامی است که در تحلیل درام از دیدگاه نشانه‌شناسی مکان اهمیت بسزایی دارد. می‌توان گفت: نوع قرار گرفتن شخصیت‌ها در کنار یکدیگر دلالت بر نوع روابط آن‌ها با یکدیگر دارد.

> تا آنجا که به روابط فضایی در درون یک مکان رخداد واحد مربوط می‌شود، حضور هم‌زمان شخصیت‌های مختلف بر روی صحنه که با یکدیگر گفتگو می‌کنند، دال بر شکلی از رابطه‌ی فضایی دور یا نزدیک است و تقابل سمت راست و چپ را نیز می‌توان از لحاظ معنایی به ستیز یا اتفاق‌نظر تعبیر کرد. (فیستر، ۱۳۸۷، ۳۳۸)

همچنین «محورهای عمودی و افقی در بازنمایی‌های تصویری ابعادی خنثی نیستند و حاوی دلالت‌هایی ضمنی هستند. قضاوت درمورد دلالت‌های مکانی دالی که بالاتر از دال دیگر قرار گرفته، هرگز آسان نیست، بلکه روابط آن با مدلول‌ها نیز در این مورد موثر است» (چندلر، ۱۳۸۷، ۱۳۹-۱۳۸).

### ۴-۲-۲- روابط میان صحنه و خارج صحنه

روابط میان صحنه و خارج از صحنه یکی دیگر از روش‌های مکان‌پردازی غیر کلامی است که در تئاتر و درام از اهمیت بسیاری برخوردار است.

> در درام‌هایی که از یک مکان رخداد واحد تشکیل شده‌اند، غالباً تفاوت فضایی صحنه و خارج از صحنه به‌گونه‌ای ساخته و پرداخته شده است که نمایانگر یک تفاوت معنایی



پایگاه اینترنتی دانشگاه هنر مقالات Journal.art.ac.ir

http://Journal.art.ac.ir

www.SID.ir

Archive of SID

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر



> محوری باشد. این تفسیر معناشناختی از تفاوت فضاهای درونی و بیرونی، به‌ویژه در درام‌های مدرنی که با تأثیرپذیری از اگزیستانسیالیسم فلسفی نوشته شده‌اند، رایج است. (فیستر، ۱۳۸۷، ۳۳۹)

ممکن است فضاهای داخلی و خارجی درام در تقابل با یکدیگر باشند و یا بین آن‌ها هماهنگی و شباهت وجود داشته باشد. فضای داخلی صحنه می‌تواند مکانی امن برای شخصیت‌ها باشد و فضای بیرونی مکانی تهدیدکننده، پرخطر و مبهم؛ یا فضای داخل صحنه همچون زندانی باشد که نقشواره‌ها در آن محبوس‌اند و صحنه‌ی خارجی مکانی برای رهایی و آزادی از فضای خفقان‌آور درون صحنه. این تفاوت فضایی می‌تواند زمینه‌ای برای کنش و واکنش شخصیت‌ها یا کشمش میان آن‌ها و در نتیجه پیشبرد طرح درام شود.

### ۴-۲-۳- ورود و خروج شخصیت‌ها

ورود و خروج شخصیت‌ها یکی دیگر از تکنیک‌های مکان‌پردازی غیر کلامی در تئاتر و درام و بخشی از روابط داخل و خارج صحنه است. با ورود یا خروج شخصیت‌ها می‌توان به جنبه‌های گوناگون شخصیت‌ها پی برد. این ورود و خروج‌ها همانند دیگر روابط فضایی در تئاتر و درام، در پیشبرد طرح نقشی اساسی دارند.

ورود و خروج شخصیت‌ها در یک رابطه‌ی جانشینی یا همنشینی زمینه‌ساز تجلی ویژگی‌های گوناگون شخصیت‌ها می‌شود. رابطه‌ی جانشینی ممکن است با جایگزین شدن شخصیتی به جای شخصیت دیگر رخ دهد و رابطه‌ی همنشینی ممکن است زمانی حاصل شود که شخصیتی از صحنه خارج و حذف یا شخصیتی به جمع افراد حاضر در صحنه اضافه شود.

### ۴-۲-۴- روابط میان چند مکان رخداد متفاوت

> روابط میان چند مکان رخداد متفاوت یکی دیگر از شیوه‌های مکان‌پردازی غیر کلامی در متون دراماتیک است، این نوع از مکان‌پردازی بر اساس روابطی که چند مکان رخداد متفاوت را به یکدیگر متصل می‌کنند شکل می‌گیرد. رابطه‌ی میان چند مکان متفاوت آشکارترین و ملموس‌ترین تضادها را پدید می‌آورد زیرا عرضه‌داشت چندین مکان رخداد متفاوت و اغلب متباین در جریان نمایشنامه به شکل بصری صورت می‌گیرد (فیستر، ۱۳۸۷، ۳۳۹).

روابط میان چند مکان رخداد متفاوت می‌توانند سبب شوند جنبه‌های گوناگون شخصیت‌ها تجلی یابند. ورود شخصیت‌ها به مکان‌های جدید نیز می‌تواند زمینه‌ساز تجلی ویژگی جدید و متفاوتی از آن‌ها شود. ارتباط مکان‌های متفاوت با یکدیگر ممکن است نشانگر رابطه‌ی شخصیت اصلی با دیگر نقشواره‌های دراماتیک باشد. تقابل مکان‌های متفاوت و ارتباط آن‌ها با یکدیگر می‌تواند به کشمکش و پیشرفت پیرنگ درام بیانجامد.

رابطه‌ی میان چند مکان رخداد متفاوت ممکن است نشانگر اختلاف‌های فرهنگی، طبقاتی و اجتماعی شخصیت‌ها باشد و این تناقض و تضاد می‌تواند زمینه‌ساز ستیز و کشمکش شخصیت‌ها شود. در ارتباط چندین مکان متفاوت با یکدیگر، ممکن است هر یک از این مکان‌ها با یکی از شخصیت‌ها مرتبط و بازنمایی‌کننده‌ی ویژگی‌های آن شخصیت باشد. مجموع این ارتباطات می‌تواند به پیشبرد پیرنگ و فضای نمایش بیانجامد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی
journal.art.ac.ir



www.SID.ir

Archive of SID







لازم به ذکر است که با توجه به کمبود منابع در زمینه‌ی نشانه‌شناسی مکان و نبود الگویی مدون برای تحلیل نشانه‌شناختی مکان در تئاتر و درام، نگارندگان مقاله‌ی حاضر، با توجه به نظریه‌های نشانه‌شناسان، برای تحلیل نشانه‌شناختی مکان در ملودی شهر بارانی الگویی مفهومی طراحی کرده‌اند. نمودار شماره‌ی ۲ این الگوی مفهومی را به تصویر کشیده است.

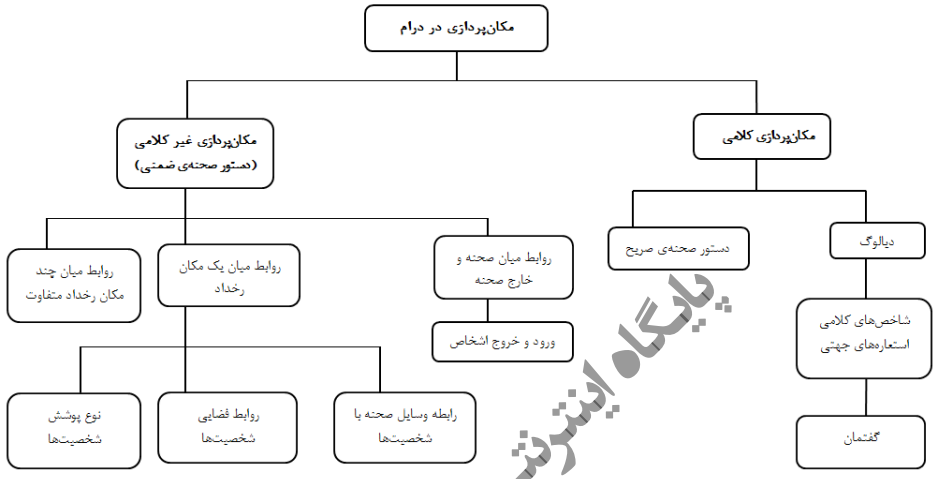


**نمودار ۲. روش‌های مکان‌پردازی در درام**

## ۵- تحلیل نشانه‌شناختی مکان در ملودی شهر بارانی

رادی نمایشنامه‌ی ملودی شهر بارانی را در سال ۱۳۷۶ نوشت و بازنویسی نهایی آن را در سال ۱۳۸۸ انجام داد. داستان نمایشنامه درباره‌ی روابط دو خانواده‌ی شفتی و آهنگ بعد از مرگ صادق آهنگ، بزرگ خانواده، است.

مکان در نمایشنامه‌ی ملودی شهر بارانی زمینه‌ساز بحران و کشمکش میان تعدادی از شخصیت‌ها و نیز بافتی برای روایت داستان است؛ خانه‌ی بیستون مکانی است که به کنش شخصیت‌ها در نمایشنامه می‌انجامد. روایت این داستان به مکان وابسته است و مکان تحت تسلط سوژه‌هاست. سطح عاملیت سوژه‌ها با قدرت اقتصادی و اجتماعی آن‌ها رابطه‌ای مستقیم دارد، یعنی با کاهش قدرت اقتصادی و اجتماعی، سطح عاملیت نیز کاهش می‌یابد و به این ترتیب سوژه‌ها تحت سلطه‌ی گفتمان مسلط قرار می‌گیرند، عکس این موضوع نیز صادق است.

در ملودی شهر بارانی مکان (خانه‌ی بیستون) به ابزاری در دست صاحبان قدرت (بهمن و آفاق) تبدیل شده است که به‌واسطه‌ی آن بتوانند بر سوژه‌های هم‌سطح با خود (خانواده‌ی شفتی) تسلط یابند و گفتمان خود را به عنوان گفتمان غالب، بر آنان تحمیل کنند. خانه‌ی آهنگ مکانی جمعی است که همه‌ی کنشگران به آن رفت و آمد دارند و کنش و واکنش آن‌ها در آنجا اتفاق می‌افتد.

### ۵-۱- مکان‌پردازی کلامی

### ۵-۱-۱- دیالوگ (شاخص‌های کلامی و استعاره‌های جهتی)

متن نمایشی به کمک مجموعه‌ای از واژه‌ها و به شکل‌های گوناگون نشانه‌هایی از فضا ارائه می‌دهد، این نشانه‌ها شامل نشانه‌های جغرافیایی، مشخص کردن محل، قیدها و افعال حرکتی

پایگاه اینترنتی دانلود مقالات دانشگاه هنر
journal.art.ac.ir



www.SID.ir

Archive of SID

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر



است که فضایی استعاری را به وجود می‌آورند، همچنین نخستین نشانه‌های فضا در یک متن نمایشی را می‌توان در نام شخصیت‌های نمایش دید. (پرونه، ۱۳۹۱، ۸۸-۸۷)

درنمایشنامه‌ی ملودی شهر بارانی نخستین نشانه‌های فضا را می‌توان در نام و نام خانوادگی تعدادی از شخصیت‌های حاضر یا غایب مشاهده کرد: خانم کوچصفهانی، آقای اشکوری، شفتی و حتی نام گیلان که دلالت بر مکانی دارند که صاحبشان متعلق به آنجاست. در واقع، این اسامی با هویت اشخاص در ارتباطند. همچنین در این نمایشنامه، تعلق خاطر شخصیت‌ها به مکان‌های گوناگون دلالت بر ایدئولوژی و افکار آن‌ها دارد: گرایش سیروس به شوروی دلالت بر تفکرات مارکسیستی و چپ او دارد، گرایش بهمن به هالیوود و آلمان نازی دلالت بر شخصیت دیکتاتور و نژادپرست وی دارد، گرایش مهیار به لوزان و سوئیس نمودی از شخصیت صلح‌طلب و تساوی‌گرای اوست، کسی که برای ایجاد برابری میان ماری، دختر خانواده، و گیلان، دختر خدمتکارشان، خانواده‌اش را راضی می‌کند گیلان را نیز مانند ماری به دبیرستان سعادت نسوان بفرستند.

این فضاهای غیرقابل رؤیت، به‌عنوان فضاهای غایب دور، بخشی از کنش نمایشی را در این نمایشنامه تشکیل می‌دهند و تضاد این فضاها زمینه‌ساز کشمکش می‌شود، برای نمونه دعوای سیروس و بهمن به تضاد ایدئولوژیک و طبقاتی آن‌ها مربوط است: مکان‌های مورد علاقه‌ی آن‌ها، آلمان و شوروی، به‌عنوان مکان غایب دور و خانه‌ی بیستون به‌عنوان مکان حاضر نزدیک، عاملی برای ایجاد کشمکش میان آن‌هاست. علاوه‌براین، اسامی مکان‌های گوناگون مانند اتاق گاز، آلمان نازی، بلوک شرق و هیروشیما دلالت بر مکان‌هایی دارند که نشانه‌ای از عصر تاریخی نمایشنامه‌اند. شعیری در کتاب نشانه-معناشناسی دیداری می‌نویسد:

> اگر زبان برای توصیف، توضیح، فهماندن، استدلال کردن، ارجاع دادن، عینیت بخشیدن، استعاره‌سازی، القا، قانع نمودن، توجیه کردن و غیره از واژگان، اصطلاحات و تصویرهای مکانی استفاده کند، مکان کاربرد گفتمانی پیدا می‌کند. در نظام مکان-گفتمانی گفته‌پردازان همواره از مکان برای ارتقای قابلیت کنونیت‌بخشی به گفتمان خود استفاده می‌کنند. کنونیت‌بخشی یعنی این‌که گفتمان با استفاده از مؤلفه‌های مکانی قابلیت القای واقعیت را در خود افزایش می‌دهد و از شفافیت بالا برخوردار می‌شود. (۱۳۹۲، ۱۰۲)

در بخشی از ملودی شهر بارانی می‌خوانیم:

> آفاق: دیشب ساعت یازده و نیم رسیدی، صبح به این زودی کجا می‌ری مهیار جان؟
> مهیار: جایی نمی‌رم خانم جان؛ فرصت نکردم لباس‌مو دربیارم.
> آفاق: لابد مشغول مطالعه یا نوشتن بودی.
> مهیار: نه کلافه خواب بودم و همین جا روی مبل
> آفاق: شنیدم اون جا کتاب نوشتی.
> مهیار: ای... موقع بی‌کاری یه قلمکی می‌زنم.
> آفاق: خوشحالم، خوشحالم ساق و سالم برگشتی...
> مهیار: من بیس سال زیر سایه‌ی شما و آقاجان تربیت شدم، توی همین خونه و هر چه هستم از برکت شماست. (رادی، ۱۳۸۸، ۲۲٤)

در این دیالوگ اشاره به اینجا و آنجا (قیدهای اشاره)، نوعی رابطه‌ی فضایی را شکل می‌دهد که مفهوم کنش و جایگاه آن در فضا را با استفاده از شاخص‌های کلامی مشخص می‌کند. قید

پایگاه اینترنتی مقالات دانشگاه هنر
Journal.art.ac.ir



www.SID.ir

Archive of SID





اشاره‌ی آنجا اشاره به مکان دور، سوئیس، و قید اشاره‌ی همین‌جا دلالت بر مکان نزدیک، گیلان، دارد. استفاده‌ی شخصیت‌ها از شاخص‌های کلامی و استعاره‌های جهتی در ملودی شهر بارانی، دلالت بر ویژگی‌های گوناگون گفتمان آن‌ها در بافت دراماتیک دارد.

> بهمن: نه ما نمی‌خوایم برای اون خونه اجاره‌نامه تنظیم کنین؛ برعکس انتظار داریم هر چه زودتر خونه‌ی مارو تخلیه کنین . . .
> گیلان: . . . آقای آهنگ! شما هر نقشه‌ای که داشته باشین و به هر نیتی که اقدام کنین، امتیازی توی اون خونه به دست نمی‌آرین.
> بهمن: . . . ما می‌خواستیم محترمانه شمارو به خونه‌ی خودمون، به اون طرف حیاط دعوت کنیم، که در واقع به هم نزدیک‌تر بشیم . . . و شما نغمه‌های دیگری کوک می‌کنین . . . این‌جا منزل خودتونه (رادی، ۱۳۸۸، ۲۸٤-۲۸۲).

بهمن و گیلان با استفاده از شاخص‌های مکانی نزدیک به بافت برای خانه‌ی بیستون، تلاش می‌کنند مالکیت این خانه را نشان دهند و با این مکان‌مندی بر آنند سطح عاملیت خود را نسبت به دیگری افزایش دهند. بهمن با به کاربردن استعاره‌ی جهتی نزدیک که در اینجا دلالت بر صمیمیت دارد، می‌خواهد صمیمیت خود را با گیلان نشان داده، با این نزدیکی و صمیمیت سطح عاملیت و سلطه‌گری خود را افزایش دهد.

### ۵-۱-۲- دستور صحنه

در آغاز نمایشنامه‌ی ملودی شهر بارانی، در دستور صحنه، توضیح رادی از فضا مفصل است و دلالت بر مکان نمایشنامه، یعنی رشت و گیلان، دارد. علاوه‌براین، دستور صحنه و توصیف مکان رخداد دلالت بر سطح اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بالای خانواده‌ی آهنگ دارد، عکس‌هایی که از رجال معروف این خاندان در حکومت‌های پهلوی و قاجار بر روی دیوار نصب شده نشانگر این موضوع است. کتیبه‌ی انافتحنا بر بالای در ورودی خانواده‌ی آهنگ نیز اعتقادات مذهبی آنان را بازنمایی می‌کند.

### ۵-۲- مکان‌پردازی غیر کلامی

### ۵-۲-۱- روابط درون یک مکان رخداد واحد

> گیلان: همین برادر مکرم شما که با چتر بسته روی پله‌ی اول می‌ایستاد و من دو زانو می‌نشستم و به کفش‌های ایشون دستمال می‌کشیدم... اون چه فضلی داشت به من که یک پله بلندتر بایسته و من پابرهنه پیش اون. (رادی، ۱۳۸۸، ۲۹۱)

قرار گرفتن بهمن در بالای پله و گیلان در پایین پای او نوعی رابطه فضایی را شکل می‌دهد که دلالت بر رابطه‌ی ارباب و نوکری این دو نفر و جایگاه اجتماعی بالاتر بهمن دارد.

> سیروس هراسان و با سری خون‌آلود خود را به داخل سالن پرتاب می‌کند و بهمن عصایی به دست گرفته، بی‌تعادل در پی او وارد می‌شود، ماری بر صورت خود چنگ می‌زند و بر می‌جهد و به سرعت جلوی سیروس قرار می‌گیرد... ماری بازوی گیلان را می‌کشد و همراه سیروس هر سه خارج می‌شوند. (رادی، ۱۳۸۸، ۲۹۹-۲۹۸)



پایگاه اینترنتی دانلود مقالات دانشگاه هنر
journal.art.ac.ir



www.SID.ir

Archive of SID

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر



پرتاب شدن سیروس به سالن دلالت بر فرار او از خطر دارد: سالن مکانی امن است و در تقابل با مکان خارجی قرار دارد، بنابراین برای گریز از تهدید و خطر سیروس خود را به داخل سالن پرتاپ می‌کند. آمدن بهمن در پی سیروس نشانگر شخصیت خشن اوست. علاوه‌براین، با توجه به این‌که بهمن مالک خانه است، همه جای آن را متعلق به خود می‌داند و هیچ‌کجا را پناهگاهی برای رهایی سیروس از دست خودش نمی‌داند.

چنگ زدن ماری به صورتش و جهیدن او دلالت بر وحشت وی از رفتار بهمن و اهمیت سیروس برای او دارد، آنچنان که در ادامه می‌بینیم برای دفاع از سیروس خود را بین او و بهمن حائل می‌کند. همراهی گیلان، ماری و سیروس برای خارج شدن از مکان مرافعه دلالت برهمدلی و همراهی آنان با یکدیگر دارد.

«بهمن و گیلان از دو سمت ظاهر می‌شوند، از کنار یکدیگر عبور می‌کنند، کمی دور می‌شوند، بهمن می‌ایستد و با ابهام به گیلان نگاه می‌کند و به راه خود ادامه می‌دهد» (رادی، ۱۳۸۸، ۳۰۳). رفتار بهمن و گیلان در این‌جا دلالت بر بی‌توجهی آن‌ها نسبت به یکدیگر دارد، نگاه بهمن به گیلان نشانگر اهمیت گیلان برای اوست، اگرچه غرور او اجازه نمی‌دهد توجهی به گیلان داشته باشد؛ رفتار بهمن شخصیت مغرور او را بازنمایی می‌کند.

«بهمن یکی دو گام جلو می‌آید، گل‌سینه‌ای از کیف خود درمی‌آورد، با احترام به مانتوی گیلان سنجاق می‌کند، گیلان گل‌سینه را بال کرده و بی‌اعتنا زیر پای بهمن پرت می‌کند» (رادی، ۱۳۸۸، ۳۲۱-۳۲۰). بهمن با نزدیک شدن به گیلان می‌خواهد محبت و نزدیکی خود را به او نشان دهد، سنجاق کردن گل‌سینه به مانتوی گیلان دلالت بر این موضوع دارد. پرت کردن گل‌سینه زیر پای بهمن نشانگر تحقیر او و بی‌علاقگی گیلان نسبت به بهمن است.

«بهمن و گیلان رودرروی یکدیگر ایستاده‌اند، گیلان به سوی در حرکت می‌کند، مهیار با کمی فاصله خارج می‌شود، مهیار و گیلان زیر یک چتر و آهسته در پیش‌نمای صحنه حرکت می‌کنند» (رادی، ۱۳۸۸، ۳۲۳-۳۲۲). حرکت آهسته‌ی مهیار و گیلان دلالت بر تمایل آن‌ها به حضور در کنار یکدیگر دارد.

### ۵-۲-۲- روابط میان صحنه و خارج صحنه

شخصیت‌های ملودی شهر بارانی پیوسته در حال رفت‌وآمد به فضای بیرون و درون صحنه‌اند و این نشانگر ارتباط فعال آن‌ها با فضای بیرون صحنه است. مکان درونی صحنه در این نمایشنامه مکانی امن قلمداد می‌شود، به‌گونه‌ای که دعوای شدید سیروس و بهمن بیرون صحنه اتفاق می‌افتد و فرار سیروس از بیرون صحنه به داخل صحنه نشانگر امنیت محیط داخلی است.

### ۵-۲-۳- ورود و خروج شخصیت‌ها

جابه‌جایی و حرکت مدام شخصیت‌های ملودی شهر بارانی دلالت بر راحتی و صمیمیت آن‌ها با یکدیگر دارد و نشانگر آن است که مکان فضایی امن برای شخصیت‌هاست و هرگاه ضرورت ایجاب کند، آن‌ها از جایی به جای دیگر تغییر مکان می‌دهند.

همان‌گونه که در نمودار ۳ نشان داده شده است، بیشترین تراکم حضور افراد در ورودی‌ها و برای ورود و خروج به داخل صحنه است؛ گیلان و بهمن بیشترین حرکت در صحنه را به خود اختصاص داده‌اند و این موضوع دلالت بر آن دارد که هر دوی آن‌ها با افزایش حرکات خود در صحنه بر آنند موقعیت خود را در رابطه با دیگری اثبات کنند.

پایگاه اینترنتی دانلود مقالات دانشگاه هنر
journal.art.ac.ir



www.SID.ir

Archive of SID

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر



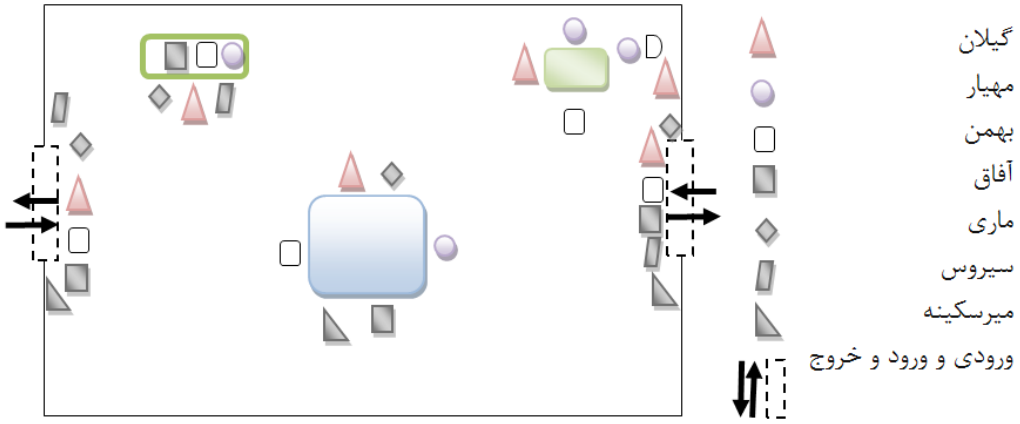


نمودار ۳. مسیرحرکت شخصیت‌ها در ملودی شهر بارانی

در پرده‌ی آخر، با ورود گیلان، آفاق صحبتش را درباره‌ی خانواده‌ی گیلان و آوردن آن‌ها به اتاق‌های پشت درختی، به پایان می‌رساند و این دلالت بر شخصیت دورو و فریبکار آفاق دارد.

در تحلیل مکان نمایشنامه‌ی ملودی شهر بارانی ذکر چند نکته ضروری به نظر می‌رسد؛ نخست این که نام شخصیت گیلان می‌تواند استعاره‌ای از مکان و سرزمین گیلان باشد و به این ترتیب فشرده‌سازی[۹] مکان در نام شخصیت گیلان صورت پذیرفته است. همچنین باید اشاره کرد که در این استعاره، در محوری جانشینی، شخصیت جانشین بافت شده و برخی ویژگی‌های بافت را وام گرفته است، آنچنان که در چندین دیالوگ به شباهت‌های شخصیت گیلان و سرزمین گیلان اشاره شده است، شباهت‌هایی مانند سبزه بودن گیلان و سبزی سرزمین گیلان. مهیار نیز با شناخت گیلان به شناخت سرزمین گیلان می‌رسد و تصمیم می‌گیرد در این شهر بماند. در قسمتی از پرده‌ی آخر نمایشنامه مهیار به گیلان می‌گوید: «گیلان سبزه‌ی زیبای ما نمی‌دونستم این همه گوشه‌های قشنگ داره» (رادی، ۱۳۸۸، ۳۱۷) و این می‌تواند دال بر شباهت گیلان و سرزمین گیلان و تأییدی بر نقش استعاری گیلان در این نمایشنامه باشد.

## ۶- نتیجه‌گیری

تحلیل و بررسی نمایشنامه‌ی ملودی شهر بارانی نشان می‌دهد که مکان به‌عنوان یکی از عناصر دراماتیک نقش مهمی در این نمایشنامه دارد، آنچنان که به‌واسطه‌ی نشانه‌شناسی مکان می‌توان روابط میان شخصیت‌ها و گفتمان حاکم بر آن‌ها، بافت اجتماعی و فرهنگی آن‌ها و نیز ویژگی‌های آن‌ها را نشان داد. در این متن دراماتیک مکان نقش مهمی در میزان کنشگری شخصیت‌ها دارد. مکان‌پردازی کلامی و شاخص‌های کلامی بازنمود سطح اجتماعی شخصیت‌هاست، به این معنا که آن هرچه سوژه‌ای در جایگاه اقتصادی و اجتماعی بالاتری قرار داشته، در نتیجه تسلط مکانی داشته باشد، میزان عاملیت او بیشتر و گفتمان وی، در جامعه‌ی تحت سلطه‌ی او، به گفتمان غالب تبدیل می‌شود و هر چه سوژه‌ها به مرکز قدرت او نزدیکتر باشند، میزان عاملیت آن‌ها نیز افزایش می‌یابد و بر عکس، هرچه سوژه‌ها از مرکز قدرت و گفتمان غالب فاصله‌ی بیشتری داشته باشند، میزان عاملیت آن‌ها کاهش می‌یابد.

مکان‌پردازی کلامی و غیر کلامی در این نمایشنامه دلالت بر رابطه‌ی شخصیت‌ها با یکدیگر و جنبه‌های گوناگون ویژگی‌های آن‌ها دارد. رابطه‌ی مکان با سوژه‌ها آنچنان است که زمینه‌ساز



پایگاه اینترنتی دانلود مقالات دانشگاه هنر
journal.art.ac.ir



www.SID.ir

Archive of SID

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر



کنش آن‌ها و در نتیجه، پیشبرد پیرنگ درام می‌شود. همچنین موقعیت مکانی شخصیت‌ها با توجه به گفتمان آن‌ها و گفتمان دیگر شخصیت‌ها، سلطه‌گری یا سلطه‌پذیری و امیدواری یا ناامیدی آن‌ها را بازنمایی می‌کند.

مکان‌پردازی غیر کلامی در این اثر دلالت بر روابط فرهنگی و اجتماعی شخصیت‌ها دارد. روابط فضایی شخصیت‌ها در مکان رخداد واحد روابط فضایی دور و نزدیک، بالا و پایین، حاشیه و مرکز را نشان می‌دهد که روابط دوستی و دشمنی، ارباب-رعیتی و مهم یا حاشیه‌ای بودن شخصیت را با توجه به روابط فرهنگی جاری در محیط اجتماعی بازنمایی می‌کند. مکان‌پردازی غیر کلامی، روابط داخل و خارج صحنه و ورود و خروج شخصیت‌ها، جنبه‌های گوناگون ویژگی شخصیت‌ها را مشخص می‌سازند و این نشان می‌دهد که مکان به شخصیت‌پردازی کمک می‌کند.

مکان در این نمایشنامه ایدئولوژی و بینش شخصیت‌ها را نیز بازنمایی می‌کند. این ایدئولوژی بر روابط شخصیت‌ها اثر می‌گذارد و زمینه‌ساز کنش آن‌ها می‌شود. همچنین در این نمایشنامه مکان دلالت بر اوضاع سیاسی، اجتماعی و تاریخی درام دارد. دستورصحنه‌ها دلالت بر موقعیت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شخصیت‌ها دارند که نمودی از بافت داستان و ویژگی‌های گوناگون شخصیت‌هاست. در مجموع، رابطه‌ی مکان با سوژه و مکان‌پردازی کلامی و غیر کلامی و زیرمجموعه‌های آن‌ها به‌عنوان شاخص‌هایی برای تحلیل نشانه‌شناختی مکان در این پژوهش، نشان دادند که مکان به‌عنوان یکی از عناصر درام در نمایشنامه‌ی ملودی شهر بارانی، به شخصیت‌پردازی و کنش و واکنش شخصیت‌ها و پیشبرد پیرنگ کمک شایانی کرده است.

پایگاه اینترنتی دانلود مقالات دانشگاه هنر
journal.art.ac.ir

## پی‌نوشت‌ها

1. M. Esslin
2. word-scenery
3. spoken space
4. K. Elam
5. J. Lakoff
6. M. Johnson
7. K. Cameron
8. T. Hoffman
9. compact

## منابع


- آستن، آلن و ساونا، جرج (۱۳۸۸) *نشانه‌شناسی متن و اجرای تئاتری*، ترجمه‌ی داود زینلو، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، تهران.
- اسلین، مارتین (۱۳۸۷) *دنیای درام*، ترجمه‌ی محمد شهبا، انتشارات هرمس، تهران.
- الام، کر (۱۳۸۹) *نشانه‌شناسی تئاتر و درام*، ترجمه‌ی فرزان سجودی، نشر قطره، تهران.
- پرونه، میشل (۱۳۹۱) *تحلیل متن نمایشی*، غلامحسین دولت‌آبادی، نشر افراز، تهران.
- چندلر، دانیل (۱۳۸۷)، *مبانی نشانه‌شناسی*، ترجمه‌ی مهدی پارسا، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، تهران.
- رادی، اکبر (۱۳۸۸) *روی صحنه آبی*، جلد ٤، نشر قطر، تهران.
- سجودی، فرزان (۱۳۹۰) *نشانه شناسی کاربردی*، نشرعلم، تهران.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۱) «نوع‌شناسی مکان و نقش آن در تولید و تهدید معنا»، *مقالات هفتمین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی*، انتشارات سخن، ۱۱۷-۹۷.




www.SID.ir

Archive of SID

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر




- --------- (۱۳۹۲) *نشانه‌معناشناسی دیداری*، انتشارات سخن، تهران.
- عباسی، علی (۱۳۹۱) «نشانه‌شناسی فضا و مکان، فضا و دلالت»، *مقالات هفتمین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی*، انتشارات سخن.
- فورتیر، مارک (۱۳۸۸) *نظریه در تئاتر*، ترجمه‌ی فرزان سجودی و نریمان افشاری، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، تهران.
- فیستر، مانفرد (۱۳۸۷) *نظریه و تحلیل درام*، *ترجمه‌ی مهدی نصراله‌زاده*، انتشارات مینوی خرد، تهران.
- کامبوزیا کرد زعفرانلو، عالیه و حاجیان، خدیجه (۱۳۸۹) «استعاره‌های جهتی قرآن با رویکرد شناختی»، *فصلنامه‌ی نقد ادبی*، ۹، بهار ۱۳۸۹، ۱۳۹-۱۱۵.

- Gaines, E. (2006) 'Communication and the Semiotics of Space', *Journal of Creative Communications*, 1(2): 174.
- Lakoff, George and Johnson, Mark (1980) *Metaphors We Live By*, Chicago: Chicago University Press.


پایگاه اینترنتی دانلود مقالات دانشگاه هنر
journal.art.ac.ir



http://Journal.art.ac.ir

www.SID.ir

Archive of SID

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر

پایگاه اینترنتی دانلود مقالات دانشگاه هنر
journal.art.ac.ir



www.SID.ir

Archive of SID

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر



Received: 20 Jul 2014
Accepted: 16 Dec 2014

# The 'Place' in the Play 'Melody of a Rainy City' by Akbar Radi: A Semiotic Study

**Saboura Shahabi Baher,** MA in Dramatic Literature, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

**Seyed Mostafa Mokhtabad,** PhD in Theatre, cinema, communications, Full Professor, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

**Mohammad Jafar Yousefian Kenari,** Associate Professor of Dramatic Literature, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

## Abstract

The present research analyzes the location and its relation to the other dramatic elements in the play "Melody of a Rainy City" composed by Akbar Radi using a descriptive-analytic method and place semiotics. The main purpose of this research is to find, classify and dramatically study the most important locational indicators in the given play. This research intends to analyze and examine the location, according to a semiotic approach, in order to show the implicit and explicit relationships between locations and the different dramatic elements such as characterization, action and plot. In order to analyze the location in this play, Verbal localization (stage direction, verbal indicators, dialogue), non-verbal localization (relationships between on-stage and off-stage, relationships between multiple locations in a single locale and in various locales) have been studied based on the ideas of different semioticians who have studied in this field. The results show that location plays an important role in the dramatic structure of "Melody of a Rainy City" and it greatly contributes to develop the dramatic elements. Places in this play can be linked to other elements such as character drama, actions and reactions, and plot.

**Keywords:** location semiotics, drama, Melody of a Rainy City, Radi.



پایگاه اینترنتی نشریات دانشگاه هنر
journal.art.ac.ir

http://Journal.art.ac.ir

www.SID.ir